

وضعیت سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی سرپرست خانوار

فرحناز رستمی*، محمدعلی محمدی**، وحید علی آبادی***، نشتیمان کریمیان****

مقدمه: بی‌شک از عوامل تأثیرگذار بر موقعیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی سرپرست خانوار، وضعیت سرمایه اجتماعی آنان است. این پژوهش با توجه به اهمیت نقش سرمایه اجتماعی، در وضعیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی زندگی، وضعیت سرمایه اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار را برحسب مؤلفه‌های آن تحلیل می‌کند. پرسش اساسی در پژوهش حاضر، این است که توزیع مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در میان زنان روستایی سرپرست خانوار چگونه است؟ در کدام یک از ابعاد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، زنان در معرض آسیب‌پذیری شدیدتری قرار دارند و در کدام بُعد، با آسیب‌پذیری خفیف‌تری روبه‌رو هستند؟

روش: پژوهش حاضر از نوع تحقیقات اکتشافی - توصیفی است که به روش پیمایشی انجام گرفته و جامعه آماری تحقیق، زنان روستایی سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر سنندج بودند (۵۱۰۳ نفر). با استفاده از انجام پیش‌آزمون و فرمول کوکران، حجم نمونه ۱۰۲ نفر تعیین شد و برای دستیابی دقیق به افراد موضوع مطالعه، از روش نمونه‌گیری کاملاً تصادفی، براساس لیست و اسامی خانوارهای تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر سنندج استفاده شد.

یافته‌ها: آزمون تحلیل عاملی اکتشافی، نشان دهنده تبیین ۶ مؤلفه انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و ارتباطات اجتماعی با درصد تبیین ۵۳/۲۲ از واریانس کل بود. همچنین، آزمون فریدمن نشان دهنده وجود تفاوت معنی‌دار بین میانگین رتبه‌ای مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه آماری تحت مطالعه است.

نتایج: نتایج نشان داد مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و ارتباطات اجتماعی، با درصد تبیین ضعیف، زنان روستایی سرپرست خانوار را در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: انسجام اجتماعی، تحلیل عاملی، زنان روستایی سرپرست خانوار، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۰۷

* دکتر آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

** دکتر جامعه‌شناس، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

<ali_gh75@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

** کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

*** کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

وجود سرمایه اجتماعی در جوامع کشاورزی از عوامل کلیدی توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود. بدون حد مطلوبی از این سرمایه، هیچ یک از ابعاد سه‌گانه اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی توسعه پایدار به‌طور کامل محقق نخواهد شد. بی‌شک، بحث توسعه یافتگی بسیار فراتر از توسعه اقتصادی است. ارزش‌های اصلی توسعه پایدار را باید در ارتقای کیفیت زندگی و توانمندسازی افراد جامعه به‌ویژه در تأمین نیازهای اساسی طبقات آسیب‌پذیر و تلاش برای رفع اختلافات طبقاتی در جامعه و نیز رشد و آگاهی و امنیت اجتماعی عمومی جست‌وجو کرد. از این جهت است که رویکرد جنسیتی در حوزه برنامه‌ریزی در توسعه پایدار روستایی مطرح می‌شود (موزر و همکاران، ۱۹۹۶) و تلاش برای افزایش توانمندی‌های اجتماعی و حضور زنان روستایی در فعالیت‌های اجتماعی و برنامه‌های توسعه پایدار ضروری شمرده می‌شود. در صورتی که در کشور ما، پژوهشگران و اندیشمندان توسعه روستایی به این مهم کمتر توجه کرده‌اند. بر این مبنا، در این پژوهش به موضوع سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر توانمندی‌های زنان روستایی سرپرست خانوار توجه شده است. می‌دانیم که توجه به این قشر آسیب‌پذیر نقش بسزایی در توسعه کل‌گرای روستایی خواهد داشت. توسعه با مبانی پیچیده‌ای که با خود همراه دارد، سال‌هاست در ادبیات جهانی بررسی می‌شود. توسعه روستایی هم به‌عنوان یکی از مباحث توسعه با چالش‌های فراوانی روبه‌روست. یکی از این چالش‌ها، توجه نکردن به سرمایه اجتماعی روستاییانی است که به‌صورت هزاران خرده فرهنگ در پهنه جغرافیایی کشور ایران گسترده شده‌اند. بر این اساس، شناخت آن روند برنامه‌ریزی توسعه روستایی را برای متخصصان مربوط تسهیل و مشارکت روستاییان را در اجرای بهتر برنامه‌ها به‌همراه خواهد داشت. امروزه، اهمیت سرمایه اجتماعی به‌منظور رسیدن به توسعه روستایی، موضوع روبه‌رشد بسیاری مطالعات در سالیان اخیر است. شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای، به‌خصوص جوامع روستایی، توسعه همه‌جانبه، ایجاد روابط اجتماعی، گسترش انسجام اجتماعی، بسط

مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر، اعتماد متقابل درون گروهی و برون‌گروهی و در یک کلمه، سرمایه اجتماعی کنشگران جامعه است (لاکاس،^۱ ۱۹۸۸). سرمایه اجتماعی در قالب شبکه‌های حمایتی غیررسمی نقش مؤثری در مدیریت ریسک و آسیب‌پذیری اجتماعی ایفا می‌کنند و زنان را در مقابله با فقر، مجهزتر می‌سازد (بالا و لاپیر، ۲۰۰۴).

با وجود این، زنان فقیر و بی‌سرپرست ممکن است در فقر باقی بمانند؛ به این دلیل که به‌طور فعال، از دسترسی به بسیاری شبکه‌های اجتماعی که ممکن است به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک کند، محروم شده‌اند. از اهداف اساسی که در رویکردهای غیرمادی محرومیت‌زدایی، به‌ویژه در خصوص قشرهای آسیب‌پذیر جامعه مانند زنان بی‌سرپرست روستایی، باید به آن‌ها توجه کرد، می‌توان به این‌ها اشاره کرد: توجه به ظرفیت‌ها و دارایی‌های غیردرآمدی، شبکه‌های تعاملی و حمایت‌های غیررسمی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماع محلی، ادغام در روابط اجتماعی و چالش‌های پیش‌روی آن‌ها. این‌ها اهدافی است که عمدتاً در مطالعات فقرپژوهی زنان روستایی مغفول مانده و به ناکامی برنامه‌های فقرزدایی انجامیده است. در پژوهش حاضر، تلاش شده است با اتخاذ دیدگاه نوین به آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار از زاویه دارایی‌های غیرمادی (سرمایه اجتماعی)، درک گسترده‌تری از محرومیت زنان سرپرست خانوار روستایی به دست آید. پرسش اساسی پژوهش نیز این بود که با توجه به موقعیت اجتماعی و دیدگاه فرهنگی جامعه به زنان سرپرست خانوار روستایی، توزیع مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در میان آنان چگونه است؟ در کدام‌یک از ابعاد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، زنان در معرض آسیب‌پذیری شدیدتری قرار دارند و در کدام بُعد با آسیب‌پذیری خفیف‌تری روبه‌رو هستند؟

مبانی نظری

بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی «زنان سرپرست خانواده»، زنانی هستند که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار هستند (خسروی، ۱۳۸۰). زنان سرپرست خانوار از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع بوده که گاه عواملی همچون طلاق، فوت، اعتیاد همسر و از کار افتادگی او و رها شدن توسط مردان مهاجر یا بی‌مبالات، موجب آسیب‌پذیرتر شدن این طیف وسیع از جامعه می‌شود. براساس آمارهای رسمی کشور، امروزه زنان، سرپرستی ۹/۴ درصد خانوارهای ایرانی را به‌عهده دارند (غفاری، ۱۳۸۵). متأسفانه، در جامعه کنونی، زندگی زنان سرپرست خانوار علاوه بر مشکلات اقتصادی، با ابهامات و مخاطرات اجتماعی فراوانی، مانند افسردگی و ناامیدی و انزوای اجتماعی و همچنین، نگرش غلط جامعه به زنان مطلقه روبه‌رو است. این درحالی است که در سال‌های اخیر، نگاه رویکردهای غیردرآمدی به محرومیت زنان سرپرست خانوار، بیش‌تر جدید و گسترده‌تری به مسائل اجتماعی ارائه می‌دهد. «رویکردهای درآمدی به این دلیل که اساساً با شرایط مادی محرومیت سروکار دارند و به جنبه‌های غیرمادی غفلت می‌کنند، انتقاد شده‌اند» (هال و میجلی، ۱۳۸۸). نگاه اقتصادی به فقر و محرومیت به‌جای تمرکز بر زندگی انسان، توجه خود را به رشد اقتصادی و درآمد سرانه معطوف می‌کند (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴). درک این موضوع حائز اهمیت است که در بسیاری کشورهای درحال توسعه، موقعیت زندگی گروه‌های فقیر جامعه از جمله زنان سرپرست خانوار، ارتباط تنگاتنگی آن‌گونه که در کشورهای توسعه یافته مشاهده می‌شود، با درآمد ندارد (فلاتن، ۲۰۰۶). در این کشورها، فقرا اغلب توانایی تأمین نیازهای خود را در مبادلات کالا و خدمات در بازار ندارند و دولت نیز در زمینه تأمین و توزیع منابع، چندان کارآمد نیست. بر این اساس، مبادلات غیررسمی نقش مهمی در تأمین نیازهای مادی و اجتماعی فقرا ایفا می‌کند. این موضوع در ارتباط با سطوح آسیب‌پذیرتر فقرا از جمله زنان سرپرست خانوار روستایی، اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند (فلاتن، ۲۰۰۶). شبکه‌های حمایتی غیررسمی در

قالب مفهوم سرمایه اجتماعی، متضمن توانمندی‌های اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان بی‌سرپرست و نیز ابزاری برای جلب حضور و جذب مشارکت این بخش از طرد شدگان جامعه روستایی در پیشبرد برنامه‌های توسعه پایدار روستایی خواهد بود. پژوهش‌های متعدد توسعه روستایی نشان داده است مشارکت در نهادهای اجتماعی، انسجام بین گروهی در میان اقشار جامعه روستایی، وجود اعتماد و ارتباطات اجتماعی و احترام و آگاهی به حقوق اجتماعی افراد، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورند و دستیابی به هدف‌هایی را ممکن می‌سازند که در نبود آن‌ها، این دستاوردها غیرممکن و پرهزینه می‌شود (کلمن^۱، ۱۹۹۰). برخی محققان معتقدند در مباحث توسعه پایدار روستایی، ایجاد و تقویت مؤلفه‌های بین گروهی سرمایه اجتماعی، در جلب حضور گروه‌های فقیر و مطرود جامعه، مثل زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، ابزار مفیدتری هستند (آلونگو^۲، ۲۰۰۲ و پاتنام^۳، ۱۹۹۳). فوکویاما^۴ (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی را شکل و نمونه ملموسی از هنجاری غیررسمی می‌داند که باعث ترویج فرهنگ، همکاری، همیاری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای رفع مشکلات گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر جامعه و دستیابی به توسعه هماهنگ و متوازن می‌شود. پاتنام^۵ (۱۹۹۵) سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر و ویژگی‌های نظام اجتماعی مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای ارتباطات متقابل، مشارکت در شبکه‌های اجتماعی می‌داند که هماهنگی و همکاری را بین افراد جامعه برای دستیابی به سود متقابل تسهیل می‌کنند. ولکاک (۱۹۹۸) سرمایه اجتماعی را در دو بخش سرمایه اجتماعی درون گروهی و سرمایه اجتماعی بین گروهی تعریف می‌کند. از نظر او سرمایه اجتماعی درون گروهی، پیوندهای درونی اجتماع است که مطرود شده‌ها (عمدتاً زنان بی‌سرپرست و سرپرست خانوار) را در جامعه روستایی قادر می‌سازد تا بتوانند از منابع و امکانات و مساعدت‌های اجتماع خود به بهترین شکل ممکن بهره‌مند شوند. همچنین، سرمایه اجتماعی بین گروهی، شبکه‌های روابط اجتماعی بیرونی است که افراد و گروه‌ها را

1. Coleman

2. Alonge

3. Putnam

4. Fukuyama

5. Putnam

قادر می‌سازد تا از منابع اطلاعاتی و حمایتی خارج از جامعه روستایی (تسهیل‌گران برنامه‌های توسعه روستایی و سازمان‌های متولی برنامه‌های محرومیت‌زدایی) بهره‌مند شوند (وولکاک^۱، ۱۹۹۸؛ هارپر^۲، ۲۰۰۲). جدول ۱ نشان می‌دهد چگونه ترکیب‌های مختلفی از این دو بُعد سرمایه اجتماعی می‌توانند نشان دهنده دامنه مشخصی از نتایج توسعه کل‌گرا در مناطق روستایی باشند.

جدول ۱. ابعاد سرمایه اجتماعی در سطح جامعه روستایی.

سرمایه اجتماعی درون گروهی		سرمایه اجتماعی بین گروهی
بالا	پایین	
روستاییان فقیر	مطرود شده‌ها	پایین
اعضای موفق برنامه‌های سرمایه‌گذاری در روستا	مهاجران از روستا به شهر	بالا

توسعه روستایی پایدار بدون توجه به وضعیت کلی زنان روستایی سرپرست خانوار به‌خصوص سرمایه اجتماعی آنان با مؤلفه‌های مطرح شده مربوط در این پژوهش با این رویکرد محقق نخواهد شد.

روش

پژوهش حاضر درصدد کشف داده‌ها و اطلاعاتی است که از طریق آن می‌توان متغیرها را توصیف و تبیین کرد. از این رو، از لحاظ ماهیت، غیرتجربی و به‌لحاظ روش، پیمایشی و از نوع تحقیقات اکتشافی - توصیفی است. جامعه آماری آن را ۵۱۰۳ نفر از زنان روستایی سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی در شهر سنندج، تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۱۰۲ نفر تعیین شده است. زنان پاسخ‌گو نیز براساس فهرست زنان روستایی سرپرست خانوار سازمان بهزیستی شهر سنندج، به‌صورت

1. Woolcock

2. Harper

نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری داده‌های ضروری تحقیق، پرسش‌نامه استاندارد اونیک و بولن (۲۰۰۴)، حاوی اطلاعات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و اطلاعات مرتبط با مؤلفه‌های تعریف شده برای سرمایه اجتماعی در پرسش‌نامه اصلی تحقیق بوده است. به منظور محاسبه پایایی ابزار تحقیق، ابتدا گروهی ۳۰ نفری با استفاده از پرسش‌نامه‌های پژوهش در معرض پیش‌آزمون قرار گرفتند و سپس، از طریق آلفای کرونباخ، ضریب همسانی درونی گویه‌های مربوط به مقیاس‌های مختلف پرسش‌نامه محاسبه شد. میانگین این ضریب از مجموع مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ۰/۷۲ به دست آمد که گویای پذیرفتنی بودن مقیاس به کار رفته است. هم‌چنین، برای تعیین روایی ابزار پژوهش، از روش روایی محتوایی و مشاوره استادان و صاحب‌نظران و محققانی استفاده شد که در زمینه مسائل اجتماعی آگاهی داشتند. در ادامه، پس از تأیید پرسش‌نامه توسط متخصصان مدنظر، پرسش‌نامه‌ها در میان نمونه آماری تحقیق، تکمیل شدند.

یافته‌ها

یافته‌ها برون‌داد فرایند تحقیق هستند و موجودیت تحقیق را توجیه و اثبات می‌کنند. یافته‌های هر تحقیق شامل توصیف وضعیت موجود است و برخی تحلیل‌ها و استنباط‌ها، براساس داده‌های به دست آمده است. در بخش توصیفی وضعیت موجود جامعه تحت مطالعه را با بهره‌گیری از مشخصه‌های آماری همچون درصد، میانگین، انحراف معیار و... بررسی می‌کنیم. در بخش استنباطی نیز از روش‌های آمار استنباطی، مانند تحلیل عاملی به منظور تبیین و توصیف مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه آماری پژوهش بهره گرفته شده است.

سیمای جامعه شناختی جامعه آماری موضوع مطالعه

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی.

نما	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	متغیر	
				سن	سطح سواد
کمتر از ۴۰ سال	۳۶/۳	۳۶/۳	۳۷	کمتر از ۴۰ سال	سن
	۶۴/۷	۲۸/۴	۲۹	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	
	۱۰۰	۳۵/۳	۳۶	بیش از ۵۰ سال	
بی سواد	۴۳/۱	۴۳/۱	۴۴	بی سواد	سطح سواد
	۶۷/۶	۲۴/۵	۲۵	تحصیلات ابتدایی	
	۹۷	۲۹/۴	۳۰	تحصیلات راهنمایی	
	۱۰۰	۳	۳	تحصیلات متوسطه	
	۹۱/۲	۹۱/۲	۹۳	خیر	خوداشتغال (کشاورزی یا صنایع دستی یا خدماتی)
	۱۰۰	۸/۸	۹	بله	
۱۰۰			۱۰۲	جمع	

- نخستین هدف اختصاصی پژوهش حاضر، توصیف ویژگی‌های پاسخ‌گویان بود. یافته‌های توصیفی نشان داد ۳۶/۳ درصد از زنان روستایی سرپرست خانوار تحت مطالعه، در گروه سنی کمتر از ۴۰ سال و ۲۸/۴ درصد در رده سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۳۵/۳ درصد بیش از ۵۰ سال سن داشتند؛ به طوری که میانگین سنی افراد موضوع مطالعه ۴۶ سال و کمترین سن ۲۹ سال و بیشترین سن ۷۰ سال بوده است. از نظر سطح تحصیلات، بیشترین افراد یعنی ۴۳/۱ درصد بی سواد، ۲۴/۵ درصد در حد خواندن و نوشتن، ۲۹/۴ درصد با تحصیلات راهنمایی و فقط ۳ درصد تحصیلات متوسطه داشتند. نتایج نشان می‌دهد از نظر سطح سواد، حدود ۷۰ درصد زنان روستایی سرپرست خانوار، بی سواد یا کم سواد هستند که در مقایسه با میانگین بی سواد در کشور (۱۵ درصد)، این مقدار نشان دهنده اختلاف درخور توجه سطح سواد زنان روستایی سرپرست خانوار، از میانگین سواد در کشور است. همچنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد ۹۱/۲ درصد از زنان روستایی سرپرست خانوار موضوع مطالعه، فاقد شغل بودند و به منابع درآمدی (زمین و دام و...)

دسترسی ندارند. این نتایج، تأییدی بر موضوع زنانه بودن فقر است. به‌طور کلی در ایران، ۲۹ درصد خانواده‌های دهک اول درآمدی، سرپرست زن دارند. آمار و ارقام بیانگر آن است که احتمال ابتلا به فقر برای خانوارهای با سرپرست زن در مناطق شهری ۳۵ درصد و در مناطق روستایی ۶۵ درصد است. مطالعات نشان داده است زنان روستایی سرپرست خانوار به علت نداشتن دسترسی به منابع درآمدی و موقعیت فرهنگی و دیدگاه منفی جامعه به زنان مطلقه، در معرض فقر شدید قرار دارند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۹). این دیدگاه به‌خصوص درباره زنان روستایی به دلیل کوچک بودن جامعه و خرده فرهنگ‌های بسته در خصوص اعتقاد نداشتن به حضور زن در جامعه وجود دارد.

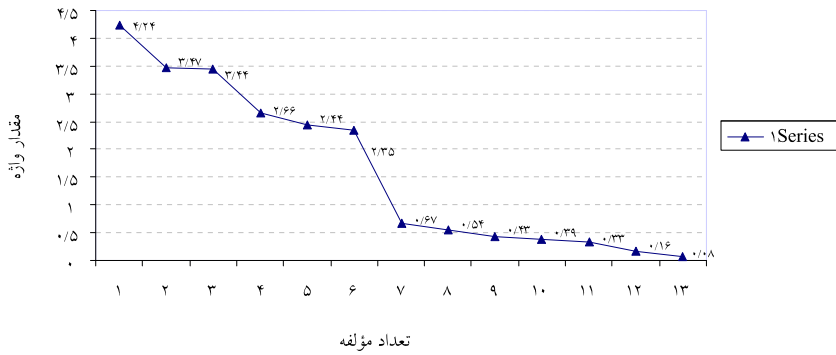
تبیین و توصیف مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه آماری مورد مطالعه: در این بخش از تحلیل داده‌ها، با استفاده از کاربرد تکنیک تحلیل عاملی اقدام به استخراج و تبیین عامل‌ها یا مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و شناسایی وضعیت پاسخ‌گویان در هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شد.

۱- ابتدا مناسب بودن داده‌ها از طریق آزمون‌های آماری KMO و بارتلت ارزیابی شد. با توجه به نتایج این دو آزمون، مشاهده می‌شود مقدار KMO برابر ۰/۷۰۵ و مقدار آزمون بارتلت ۱۲۶/۸۸۷۰ است که این مقدار در سطح ۱ درصد معنی‌دار است (جدول ۳).

جدول ۳. مقدار به‌دست آمده از آزمون KMO و بارتلت.

مقدار p	مقدار	نوع آزمون
-	۰/۷۰۵	KMO
۰/۰۰۰	۱۲۶/۸۸۷۰	بارتلت

۲- سپس، به منظور تشخیص تعداد عامل‌ها یا مؤلفه‌هایی که گویه‌های طراحی شده به تبیین آن‌ها قادر باشند، از معیار آزمون بریدگی استفاده شده است. معیار تعداد عامل‌های استخراج شده، مقدار ویژه یک است. با توجه به مقدار ویژه بزرگ‌تر از یک، شش عامل را می‌توان استخراج کرد.



نمودار ۱. آزمون بریدگی برای استخراج عوامل.

۳- به منظور دستیابی به ساختار مناسبی از عامل‌های تشکیل دهنده گویه‌های اولیه، روش چرخش واریماکس استفاده شده است. عامل‌های استخراج شده با مقدار ویژه و درصد پراکنش و درصد پراکنش تجمعی آن‌ها به شرح جدول (۴) است.

جدول ۴. عوامل یا مؤلفه‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه و درصد پراکنش و درصد پراکنش تجمعی.

ردیف	عامل یا مؤلفه‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
۱	عامل اول	۴/۲	۱۶/۱۶	۱۶/۱۶
۲	عامل دوم	۳/۰۹	۱۱/۸۹	۲۸/۰۶
۳	عامل سوم	۲/۰۷	۷/۹۷	۳۶/۰۳
۴	عامل چهارم	۱/۹۱	۷/۳۶	۴۳/۳۹
۵	عامل پنجم	۱/۳۳	۵/۱۳	۴۸/۵۲
۶	عامل ششم	۱/۲۲	۴/۶۹	۵۳/۲۲

براساس نتایج جدول (۴) عوامل تعیین کننده توسعه سرمایه اجتماعی در زنان روستایی سرپرست خانوار عبارت است از: ۱. عامل اول (انسجام اجتماعی)، ۱۶/۱۶ درصد از واریانس را تبیین می‌کند؛ ۲. عامل دوم (مشارکت اجتماعی) با مقدار ویژه ۳/۰۹ می‌تواند ۱۱/۸۹ درصد از واریانس را تبیین کند؛ ۳. عامل سوم (امنیت اجتماعی) با مقدار ویژه ۲/۰۷

به میزان ۷/۹۷ درصد از واریانس؛ ۴. عامل چهارم (اعتماد اجتماعی) با مقدار ویژه برابر با ۱/۹۱ به میزان ۷/۳۶ درصد واریانس؛ ۵. عامل پنجم (ارزش‌های اجتماعی فرهنگی) با مقدار ویژه ۱/۳۳ به میزان ۵/۱۳ درصد واریانس؛ ۶. عامل ششم (ارتباطات اجتماعی) نیز با مقدار ویژه ۱/۲۲ به میزان ۴/۶۹ درصد از واریانس را در زنان روستایی سرپرست خانوار تبیین می‌کند. همان‌طور که در جدول مذکور ملاحظه می‌شود، تبیین کل واریانس این شش عامل، ۵۳/۲۲ درصد است.

۴- جدول ۵ گویه‌های مربوط به هر یک از عوامل یا مؤلفه‌های شش‌گانه همراه بار عاملی آن‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به گویه‌های بارگذاری شده، در هر عامل یا مؤلفه، می‌توان به استنتاج اشتراک مفهومی و در نتیجه، تشخیص نوع مؤلفه تبیین شده آن‌ها پی برد.

جدول ۵. مؤلفه‌های تبیین شده و سهم بار عاملی معرف‌های هر مؤلفه.

مؤلفه	معرف (گویه)	بار عاملی
انسجام اجتماعی	حاضریم با افرادی از ادیان یا مذاهب دیگر زندگی کنم	۰/۷۹۵
	هنگام بروز اختلاف با همسایگان اهل مصالحه هستم	۰/۷۸۵
	حاضریم با افرادی از قومیت‌های مختلف زندگی کنم	۰/۷۱۰
	حاضریم با افرادی با زبان‌های مختلف زندگی کنم	۰/۶۸۶
	از معاشرت با افرادی با آداب و رسوم مختلف در زندگی لذت می‌برم	۰/۶۶۷
	در کارهایی که وظیفه من نبوده به دیگران کمک کرده‌ام	۰/۶۳۷
مشارکت اجتماعی	در مراسم‌های عمومی مثل سوگواری و جشن و مراسم مذهبی مشارکت دارم	۰/۷۶۸
	در حل مشکلات پیش‌آمده برای اهالی روستا در حد توان مشارکت دارم	۰/۷۰۴
	در تشکله‌ها و بنیادهای خیریه و مساعدت به نیازمندان روستا در حد توان مشارکت دارم	۰/۷۴۷
	در ساخت بناهای عمومی (مسجد و مدرسه و...) روستا در حد توان مشارکت دارم	۰/۶۱۳
	در برگزاری کلاس‌های آموزش‌ترویجی شرکت می‌کنم	۰/۵۸۳
امنیت اجتماعی	اگر در سطح روستا طرح‌های توسعه‌ای انجام شود در این طرح‌ها، در حد توان مشارکت دارم	۰/۵۰۱
	از رفتن به خارج از منزل در شب، احساس امنیت می‌کنم	۰/۷۳۵
	مردم، روستای ما را به‌عنوان محلی امن می‌شناسند	۰/۶۶۶
	اگر در موضوعی نظر من با بقیه مخالف باشد، در ابراز عقیده و ارائه نظر خودم احساس راحتی و امنیت دارم	۰/۶۷۸

مؤلفه	معرف (گویه)	بار عاملی
اعتماد اجتماعی	می‌توانم به اکثر مردم روستایمان اعتماد کنم	۰/۷۶۶
	می‌توانم به مردم غریبه‌ای که به‌عنوان مسافر به روستایمان سفر می‌کنند اعتماد کنم	۰/۷۱۴
	به اعضای خانواده و اقوام خودم اعتماد دارم	۰/۷۰۷
	به دوستان خودم اعتماد دارم	۰/۶۱۳
	به کارکنان دولتی (پزشکان، کارمندان اداری، مروجان جهاد کشاورزی و...) اعتماد دارم	۰/۵۸۳
	به شورای اسلامی روستایمان اعتماد دارم	۰/۵۵۵
ارزش‌های اجتماعی فرهنگی	هنگام لزوم به همسایگان اعتماد می‌کنم و از آن‌ها کمک می‌گیرم	۰/۵۱۵
	از مفهومی که زندگی برای من داشته راضی هستم	۰/۶۸۳
ارتباطات اجتماعی	به انجمن اولیا و مربیان مدرسه کمک داوطلبانه مالی یا فکری می‌کنم	۰/۶۳۳
	احساس می‌کنم که جامعه برای من ارزش قائل است	۰/۶۵۱
ارتباطات اجتماعی	در طول هفته، حداقل یک‌بار با همسایگان خود رفت‌وآمد داشته‌ام	۰/۷۱۷
	در طول هفته، حداقل یک‌بار با خویشاوندان خود رفت‌وآمد داشته‌ام	۰/۶۷۸
	در طول هفته، حداقل یک‌بار با دوستان خود رفت‌وآمد داشته‌ام	۰/۶۵۳
	در سازمان‌های محلی روستا عضو هستم	۰/۵۳۲
	برای دیدن اعضای خانواده، فامیل یا دوستان خودم، حداقل سالی یک‌بار به روستاها یا شهرهای دیگر سفر می‌کنم	۰/۵۱۳

تحلیل وضعیت پاسخ‌گویان از نظر میزان سرمایه اجتماعی

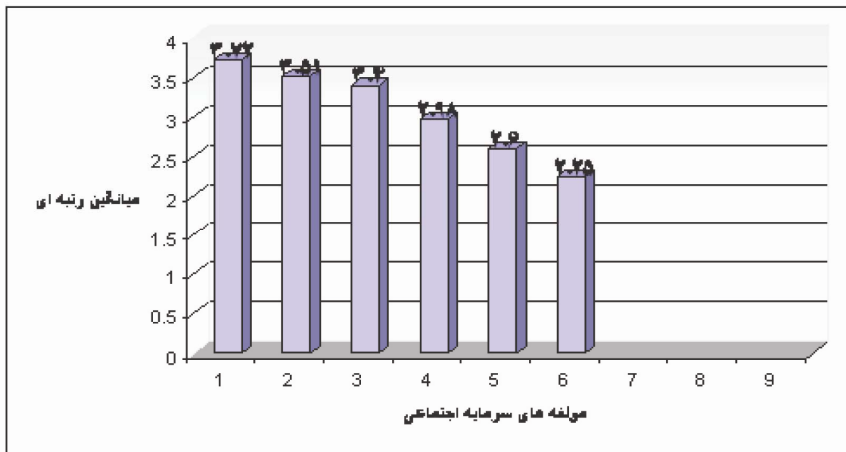
۱- آزمون تحلیل پراکنش فریدمن

جدول ۶ نتایج آزمون فریدمن به‌منظور رتبه‌بندی وضعیت موجود مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در زنان روستایی سرپرست خانوار نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌های جدول، آزمون در سطح ۱ درصد خطا، معنی‌دار است که بیان می‌دارد، بین میانگین رتبه‌های مؤلفه‌ها با یکدیگر در وضعیت موجود تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این اختلاف معنی‌دار را می‌توان به‌لحاظ آماری بررسی کرد.

جدول ۶. نتایج آزمون فریدمن برای بررسی تفاوت میانگین رتبه‌های مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی.

مقدار p	درجه آزادی	مقدار کی دو	میانگین رتبه‌ای	مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار	ردیف
۰/۰۰۰	۶	۳۱۷/۶۳۷	۳/۷۲	انسجام اجتماعی	۱
			۳/۵۱	مشارکت اجتماعی	۲
			۳/۴۰	امنیت اجتماعی	۳
			۲/۹۸	اعتماد اجتماعی	۴
			۲/۶	ارزش‌های اجتماعی فرهنگی	۵
			۲/۲۵	ارتباطات اجتماعی	۶

بر این اساس، می‌توان رتبه‌بندی‌های پاسخ‌گویان را به این شکل بیان کرد: مؤلفه‌های انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی و امنیت اجتماعی، نسبت به سایر مؤلفه‌ها در بین زنان روستایی سرپرست خانوار وضعیت بهتری دارند و مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و ارتباطات اجتماعی، وضعیت مناسبی ندارند و زنان روستایی جامعه آماری از این حیث، آسیب‌پذیرترند (نمودار ۲).



نمودار ۲. وضعیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در زنان روستایی سرپرست خانوار.

بحث

معمولاً معادله توسعه سرمایه در اکثر اجتماعات روستایی، فاقد ابعاد اجتماعی بوده و وظیفه سرمایه اجتماعی، افزودن این ابعاد به معادله توسعه سرمایه است. در حال حاضر، تأثیرات مثبت سرمایه اجتماعی را دولت‌ها و کارگزاران توسعه شناخته‌اند و در اکثر کشورها، در قالب سیاست‌های تمرکززدایی و تشویق مشارکت عمومی و اعمال مدیریت‌ها و برنامه‌ریزی‌های مشارکتی به کار برده می‌شود. جوامع روستایی منابعی همچون آب و زمین دارند که جزئی از سرمایه‌های اقتصادی آنان محسوب می‌شود؛ اما اکثر آن‌ها فاقد مهارت‌های فنی (سرمایه انسانی) و سازمان‌دهی منابع و امکانات (مدیریت و سرمایه اجتماعی) هستند. اهمیت سرمایه اجتماعی به دلیل تأثیراتی است که بر استعداد روستاییان برای سازمان‌دهی برای توسعه می‌گذارد. این تأثیرات عبارت‌اند از: ۱. ارتباط متقابل برای ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌ها؛ ۲. بسیج منابع و اعمال مدیریت در آن‌ها؛ ۳. اعمال مشارکت عمومی متشکل از تمام اقشار و گروه‌های مردم روستا به خصوص گروه‌های آسیب‌پذیر و مطرود شدگان روستا (فقر و بی‌زمینان و زنان بی‌سرپرست) در مسئله‌یابی و اولویت‌بندی برنامه‌های توسعه‌ای که البته، اولین و بیشترین منتفعان این برنامه‌ها، خود روستاییان به‌ویژه گروه‌های ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر هستند. در جمع‌بندی کلی، نتایج و پیشنهادهای زیر از پژوهش انجام شده استنباط و ارائه می‌شود:

- ۱- نتایج تحقیق نشان داد اکثر افراد موضوع مطالعه بی‌سواد یا کم‌سواد بوده‌اند و شغل و منبع درآمد مشخصی ندارند. این ویژگی‌ها از مهم‌ترین موانع ایجاد تحول و پیشرفت‌های اجتماعی - اقتصادی در سطح فردی و نیز از مهم‌ترین چالش‌های پیش رو در برنامه‌های توسعه روستایی است (فیروزجایی و همکاران، ۱۳۸۵). بر این اساس، توجه و تکیه به سرمایه‌های غیرمادی یعنی سرمایه اجتماعی ابزار مفیدی در کاهش آثار فردی و اجتماعی به‌دست آمده از کاستی‌ها و کمبودهای ذکر شده خواهد بود.
- ۲- نتایج تحقیق نشان داد اکثر افراد موضوع مطالعه، بی‌سواد یا با سطح تحصیلات کم و

همچنین، فاقد موقعیت شغلی بودند. نتایج تحقیقات مشابه (قوامی، ۱۳۸۴) در این خصوص، نشان می‌دهد در حال حاضر، کشور ما با بحران اشتغال روبه‌رو بوده و آسیب‌های اجتماعی آن انکارناپذیر است و صد البته زنان خودسرپرست یا سرپرست خانوار، بیش از سایر اقشار جامعه در معرض این گونه آسیب‌ها قرار دارند. تعمق در این نتیجه، موضوع سودآموزی حرفه‌ای را برای این گروه مطرح می‌سازد. با استفاده از روش‌های سودآموزی حرفه‌ای، ضمن آموزش حرفه‌ای مناسب، فرایند سودآموزی نیز تحقق می‌یابد. وظیفه دولت است که با آموزش مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی و اجتماعی به زنان سرپرست خانوار در دوره‌های سودآموزی حرفه‌ای، زمینه‌هایی را فراهم کند تا آن‌ها در موقعیت استرس‌آور و بحران‌زا بتوانند بهتر عمل کرده و راه‌حل‌های مناسب را برای کاهش مشکلات خود بیابند.

نتایج تحقیق نشان داد زنان روستایی سرپرست خانوار، به دلیل زن بودن و فقیر و بی‌سرپرست بودن، از ارتباطات و تعاملات و حضور در شبکه‌های اجتماعی طرد شده‌اند. این مسئله، شانس دریافت حمایت‌های اجتماعی برای این زنان را کاهش می‌دهد (دالی و سیلور، ۲۰۰۸). از طرفی، بسیاری از این زنان به دلیل فرهنگ غلط جامعه (آرام، ۱۹۹۷)، ارتباطات و تعاملات خود را با شبکه‌های اجتماعی بسیار محدود کرده‌اند؛ به طوری که ارتباطات و تعاملات اجتماعی در تبیین سرمایه اجتماعی آنان، درصد ضعیفی (۴/۶۹) دارد. این موضوع از آسیب‌پذیرترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان سرپرست خانوار محسوب می‌شود. ضعف این مؤلفه، در کمترین حد به، به هم خوردن تعادل روانی این زنان منجر خواهد شد که به تبع آن، فرزندان آنان نیز متحمل فشارهای روانی و آسیب‌های اجتماعی بسیاری خواهند شد. انجام اقدامات اساسی از ایجاد بسترهای مناسب و فرهنگ‌سازی در تغییر افکار عمومی نسبت به حضور زنان بی‌سرپرست و سرپرست خانوار در اجتماع ضروری است.

۳- یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سطح انسجام و مشارکت اجتماعی در بین زنان روستایی سرپرست خانوار در حد مطلوبی است. این سطح ۲۸/۰۶ درصد تبیین از ۵۳/۲۲ درصد تبیین کل، به‌عنوان اولین و دومین مؤلفه‌های تبیین شده از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. براساس نظریه نارایان (۲۰۰۱)، این دو مؤلفه پشتوانه‌های مهم و معتبری در راستای ایجاد و تقویت گروه‌های محلی و خودیار در آنان خواهد بود. از جمله این گروه‌ها می‌توان به تأسیس صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی سرپرست خانوار به‌عنوان تشکیلی اقتصادی - اجتماعی برای توانمندسازی اقتصادی - اجتماعی و تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اشاره کرد.

۴- نتایج تحقیق نشان دهنده ضعف درصد تبیین مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی و شناخت ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی در میان زنان روستایی سرپرست خانوار است. در تعیین اولویت و سلسله‌مراتب اهمیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد از مهم‌ترین آن بوده و غالباً در صدر فهرست اهمیت این عوامل قرار دارد. بدیهی است ضعف درصد تبیینی این مؤلفه در تحقیق حاضر، نیازمند توجه ویژه و انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه است. نتایج تحقیقات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد زنان سرپرست خانوار بیش از هر آموزشی به تزریق اعتماد به نفس، شناخت توانایی‌ها و قابلیت‌های نهفته خود، تقویت خودباوری، توانایی کسب اعتماد از افراد در شبکه‌های اجتماعی نیاز دارند (بیانون^۱)، ۱۹۹۹). می‌توان با فراهم ساختن بستر اجتماعی مساعد، برای حضور آنان در جامعه به‌همراه تأمین امنیت اجتماعی، زمینه رشد اعتماد اجتماعی را به‌منظور کسب سرمایه بیشتر و منتفع شدن مهیا کرد. همچنین، با تأسیس مراکز مشاوره و ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی و آموزشی به آن‌ها از طریق مددکاران اجتماعی، می‌توان زمینه کاهش آسیب‌پذیری مؤلفه‌های فوق را در آنان فراهم آورد.

1. Bianon

- احمدی فیروزجایی، ع و دیگران. (۱۳۸۵)، مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیرعضو تعاونی‌های تولید روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲۳(۶).
- خسروی، ز. (۱۳۸۰)، بررسی آسیب‌های روانی اجتماعی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، ش ۳۹.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۸۹)، برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد.
- غفاری، م. (۱۳۸۲)، چندنقشی بودن زنان سرپرست خانوار و فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه پژوهش زنان، ش ۵.
- قوامی، ه. (۱۳۸۵)، بررسی مقایسه‌ای زنان سرپرست خانوار خوداشتغال و زنان سرپرست خانوار دستمزد و حقوق‌بگیر در نقاط شهری ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۲.
- محمودی، و. صمیمی فر، س.ق. (۱۳۸۴)، فقر قابلیت، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۷(۴).
- هال، آ. و میجلی، ج. (۱۳۸۸)، سیاست اجتماعی و توسعه، (ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی)، تهران: جامعه‌شناسان.
- Alonge, J.A. (2002), *Traditional Institutions, Social Capital, and Multi Institutional Partnerships for Agricultural Development: Implications for a new Extension Paradigm*. AIAEE, Proceedings of the 18th Annual Conference. Durban, South Africa.
- Arum, Richard. (1997). "Trends in Male and Female Self-Employment: Growth in a New Middle Class or Increasing Marginalization of the Labor Force?" *Research in Social Stratification and Mobility* 15: 209-38.
- Bhalla, A & Frederic Lapeyre (2004) "Poverty and Exclusion in a Global World", Macmillan.
- Bianon, L. (1999), *Gender, Psychological Perspective*, Allan & Bacon, Boston.
- Coleman, J. (1990). "Foundations of social theory". Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Daly, M. and Hilary Silver (2008) "Social Exclusion and Social Capital: A Comparison and Critique". Springer Science & Business Media B.V.
- Flotten, T. (2006) "*Poverty and Social Exclusion: Two Side of the Same Coin?*", Fata.

- Fukuyama, f. (2000). Trust: *the social virtues and the creation of prosperity*. New York: free press.
- Harper, R. (2002), the *Measurement of Social Capital in the United Kingdom*, Office for National Statistics.
- Lucas, J. (1988), "*Social Capital and Social Capital indicators*", University of Adelaide, PP 1-9.
- Moser P, Hulme D. (1996) Micro Enterprise Finance: is there a conflict between growth and poverty alleviation? *World Development*.; 26(5): 783-90.
- Narayan D. (2001) Consultations With the Poor from a Health Perspective. *World Development*.; 44(1): 15-21.
- Putnam, R. (1993), The Prosperous Community: *Social Capital and Public Life*, Am. Prospect, Vol 13.
- Putnam, R. (1995). "Turning In, Turning Out: the strange disappearance of social capital in America," *political science and politics*, 23, pp. 664-683.
- Woolcock, M. (1998), Social Capital and Economic Development: Toward a Theoretical Synthesis and Policy Framework, *Theory and Society*, No 27.